

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

م. چلنگریان
۰۲ جولای ۲۰۱۶

فرزندان سلیمان میرزا - ۳

نگاهی به تاریخ حزب توده ایران و رابطه آن با جنبش‌های اجتماعی

جلد اول: از تأسیس تا بهمن ۱۳۲۷

و

حزب توده و جنبش کارگری ایران

آیا حزب توده ادامه دهنده راه «حزب کمونیست ایران» و دکتر تقی ارانی است؟

حزب توده همیشه کوشیده تا خود را ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران و دکتر تقی ارانی نشان دهد. این ادعا در چند بخش قابل بررسی و تأمل و طبیعتاً قابل نقد است:

اول؛ دکتر تقی ارانی هرگز عضو حزب کمونیست ایران نبود. ارتباط او با حزب مزبور بیشتر در شکل ارتباط یک هوادار با سازمانش می‌باشد. تنها ارتباط‌های مشخص تشکیلاتی وی که نتیجه آن مشخص نیست عبارتند از: ملاقات با "کامران اصلانی" در آبان [عقرب] ۱۳۱۳ خ. در ایران و همچنین دیدار با اصلانی و دو عضو دیگر حزب (احتمالاً "یرواند اروبلیانی" و "عبدالحسین حسابی") در تابستان ۱۳۱۴ خ. در شوروی است.

ارانی پس از بازگشت از سفر شوروی شخصاً اقدام به انتشار نشریه «دنیا» نموده و محفل مطالعات اجتماعی را در منزل شخصی‌اش بر پا داشت. لازم به ذکر است گروه ۵۳ نفر از دل همین محفل به وجود آمد. بنابر این ارانی و گروه ۵۳ نفر را نمی‌توان به طور مشخص در چهار چوب تشکیلاتی حزب کمونیست ایران گنجانید.^۱

دوم: همان طور که اشاره کردیم در دسته‌بندی‌های درون زندان بخش مهمی از اعضای گروه ۵۳ نفر به اشتباه و از روی ناآگاهی جانب "عبدالصمد کامبخش"^۲ را گرفته، دکتر ارانی را بایکوت نمودند. همچنین گروه با برگزاری

^۱ برای اطلاعات بیشتر در مورد زندگی و مبارزات دکتر ارانی و نوع ارتباط دکتر ارانی با حزب کمونیست ایران و همچنین در مورد گروه ۵۳ نفر مراجعه کنید به:

• تقی ارانی در آئینه تاریخ-خسرو شاکری-نشر اختران-۱۳۸۷

^۲ عبدالصمد کامبخش (۱۲۸۲-۱۳۵۰ خ.) از اعضای پیشین حزب کمونیست ایران و جمعیت فرهنگ قزوین بود که بعدها در شوروی به خدمت سازمان امنیت این کشور (ان. کا. و. د.) درآمد. او از نظر خاستگاه طبقاتی به یک خانواده اشرافی تعلق داشت. کامبخش از طریق کامران اصلانی با دکتر ارانی و با گروه ۵۳ نفر وارد فعالیت مشترک شد. او پس از دستگیری همه اطلاعات خود را در اختیار پولیس سیاسی

اعتصاب در زندان دکتر ارانی را در معرض حمله مأمورین و مسؤولین زندان قرار دادند. نتیجه این حرکت فرستادن ارانی به سلول انفرادی و پس از آن انتقال او به سلول زندانیان تیفوسی بود که منجر به مرگ غم‌انگیز وی گردید. بنا براین ۵۳ نفر بیرون آمده از زندان، یاران صدیق و هم‌زمان خستگی‌ناپذیر! دکتر تقی ارانی نبودند و حتا زخم‌های فراوانی را هم بر او وارد کرده بودند.

دکتر ارانی نماد مقاومت و صداقت سیاسی بود که حزب توده برای تقدیس نام خود از آن استفاده کرده و هنوز هم می‌کند. همان‌طور که پس از سال ۱۳۳۳ خ. از نام افسران اعدامی توده‌ئی و دیگر جانب‌باختگان سطوح پائین حزب بهره‌برداری تبلیغاتی نموده.

سوم: در مورد ادعای ادامه راه حزب کمونیست ایران توسط حزب توده لازم است به این نکته اشاره کنیم: حزب کمونیست ایران در سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۱۷ خ. توسط ستالین (در شوروی) و رضاشاه (در ایران) به شدت سرکوب شد. رهبران آن یا اعدام شده و یا به زندان افتادند. این درست در زمانی بود که این حزب طبق مصوبات، تاکتیک‌ها و ستراتیژی کنگره دوم خود مبارزه می‌نمود. این کنگره (که در آبان [عقرب] ۱۳۰۶ خ. بر گذار گردیده بود) تحت تأثیر اندیشه‌ها و تزه‌های "اوتیس میکایلین-سلطان زاده" و جناح چپ حزب برپا گردید و به نقد تزه‌های جناح راست در قبال رضاشاه پرداخت^۳. یعنی از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷ خ. حزب کمونیست ایران پیرو برنامه انقلابی و سرنگونی طلبانه کنگره دوم و سلطان‌زاده قرار داشت^۴. جالب این جا است بدانید که سلطان‌زاده چند سال بعد به همراه دیگر اعضای کمیته مرکزی حزب مانند "ابوالقاسم ذره"، "عبدالحسین حسابی" و "حسن نیک بین" در تصفیه‌های خونین ستالینی در شوروی اعدام گردید. حزب توده هیچ‌گاه از این مبارزان کمونیست به عنوان جان‌باختگان جنبش کارگری و کمونیستی یاد نکرده است. در ادامه بحث لازم به یاد آوری است که حزب توده با روش مبارزه مسالمت‌آمیز و پارلمانی و به

رضاشاهی قرار داد. اما در زندان وانمود کرد که ارانی همه اطلاعات را در اختیار پولیس قرار داده است و از همین طریق بود که باعث بایکوت وی در زندان شد. همچنین در جریان اعتصاب غذای چهار روزه زندانیان سیاسی کامبخش تنها کسی بود که اعتصاب را شکست. او بعدها به عضویت کمیته مرکزی حزب توده در آمد و به همراه نورالدین کیانوری جناحی کاملاً شوروی‌گرا را در حزب ایجاد کرد.

^۳ این جناح در ابتداء تحت رهبری "حیدر خان عمواغلی" قرار داشت و نظرش بر ایجاد یک جبهه از کمونیست‌ها و دموکرات‌ها و تأسیس مجلس مؤسسان و اصلاحات اجتماعی بود. جناح راست پس از جان‌باختن حیدر خان و روی کار آمدن پهلوی اول، همسو با بخشی از تئوریسین‌های حزب کمونیست شوروی و ستالین، رضاشاه را عنصری مترقی ارزیابی کردند. آن‌ها معتقد بودند که رضاشاه ضد فئودال و نماینده بورژوازی ملی و مترقی است و اقدامات او جامعه فئودال و پدرسالار ایران را وارد مرحله سرمایه‌داری می‌کند. اما در مقابل سلطان زاده و جناح چپ به شدت با این تئوری مخالفت کردند. گذشت زمان و فاش شدن ماهیت ضد انقلابی رضاشاه ثابت کرد که نظرات جناح چپ کاملاً صحیح بوده است. در کنگره دوم رضاشاه را عنصری ضد انقلابی و زمین‌خوار و وابسته به امپریالیسم انگلستان معرفی نمودند. و وظیفه عاجل حزب را تشکیل جبهه ای انقلابی از طبقه کارگر شهری، دهقانان روستائی و روشنفکران قرار دادند تا در انقلابی اجتماعی رژیم رضاشاه را سرنگون سازد. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

- اسناد جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران جلد چهارم- به کوشش خسرو شاکری صفحات ۱۱۶ تا ۱۲۱
- اولین جرقه سرخ شرق- زندگی و مبارزات اوتیس میکایلین سلطان زاده- کمیته مطالعات تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی ایران - انتشارات پروسه
- دو سند از فرقه کمونیست ایران- انتشارات علم - ۱۳۵۹

^۴ در پایان بیانیه کنگره دوم حزب کمونیست ایران چنین آمده: «رفقای کارگر، زارعین، صنعتگران، زحمتکشان ملت ایران! فرقه کمونیست ایران شما را مخاطب قرار داده و برای زد و خورد و مبارزه انقلابی دعوت می‌نماید. امروزه روز آن رسیده که کار را با حکومت شاهی و ملاکی و دشمنان علنی و سری ملت زحمتکش ختم نموده با دست آهنین خانه‌خدائی و حکمفرمائی امپریالیسهای انگلستان را در مملکت ایران خراب و ویران نمود. . .» به نقل از: دو سند از فرقه کمونیست ایران- انتشارات علم- صفحه ۶۸

صورت ائتلافی ناهمگون از عناصر ضد فاشیست (چپ و راست) تشکیل شده بود. بنا بر این هیچ شباهتی به یک حزب یکدست، انقلابی و سرنگونی طلب چون حزب کمونیست ایران نداشت. تأکید همیشگی موسسین حزب توده و همچنین برنامه این حزب بر اصل اعتقاد به قانون اساسی مشروطه سلطنتی و اصلاحات روبنائی اجتماعی بود. همه اینها اعتقاد و تأکید سندی معتبر بر ادعای ما است.⁵

حزب در همان آغاز هدف خود را در مرامنامه اولیه چنین شرح می‌دهد:

- حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران
- بر قراری رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوق فردی و اجتماعی از قبیل آزادی زبان و نطق و قلم و اجتماعات
- مبارزه علیه هرگونه رژیم دیکتاتوری و استبدادی
- اصلاحات لازمه و طرز استفاده از زمین و زراعت و بهبودی بخشیدن به وضع زارعین و دهقانان و توده‌های زحمتکش ایران
- اصلاحات اساسی در امور فرهنگی و بهداری و برقراری تعلیمات اجباری و مجانی عمومی و تأمین استفاده توده ملت از کلیه مراحل فرهنگی و بهداشتی
- تعدیل مالیات‌ها با در نظر گرفتن منافع توده‌ها
- اصلاح امور اقتصادی و بازرگانی و توسعه صنایع و معادن و وسایل حمل و نقل از قبیل ایجاد و نگهداری راه‌های شوسه و تکمیل خطوط راه آهن
- ضبط اموال و دارائی‌های پادشاه سابق به نفع ملت ایران

تاریخ‌نگاری رسمی حزب و همچنین خاطرات مؤسسین حاکی از آن است که بنیان‌گذاران به دو دلیل از استفاده عنوان "کمونیست" برای حزب توده خودداری نموده‌اند:

⁵ در مورد مشی حزب توده و تأکید رهبری آن بر دفاع و اعتقاد به قانون اساسی و سلطنت مشروطه توجه شما را به دو مثال زیر جلب می‌نمائیم:

اول: مصاحبه عبدالصمد کامبخش عضو کمیته مرکزی حزب با خبر نگاران روزنامه های انگلیس که در نشریه "دنیای امروز" مؤرخ ۱۳۲۴/۹/۲۹ منتشر گردیده است :

سؤال : شما عضو حزب کمونیست هستید؟

جواب : من عضو حزب توده هستم .

سؤال : عضو حزب کمونیست هم هستید ؟

جواب : در ایران حزب کمونیستی وجود ندارد که من عضو آن باشم .

سؤال : شما با مشروطیت شاه موافقید ؟

جواب : ما خواهان مشروطیت واقعی هستیم و موافقت ما هم با شاه در حدود مشروطیت است .

سؤال : گفته می‌شود که شما طرفدار جمهوری هستید .

جواب : ما مرامنامه و برنامه داریم که در کنگره حزبی ما به تصویب رسیده است [منظور کامبخش کنگره اول است] و تا کنگره دیگری تشکیل نشود هیچ گونه تغییری نمی‌توان در آن داد . بنا بر این نسبت به نظریات سیاسی ما باید از روی این مرامنامه و برنامه قضاوت کرد .

دوم: سرمقاله روزنامه "رهبر" مؤرخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۳ خ. است : «ایا حزب توده کمونیست است ؟ دشمنان ما به خصوص سید ضیاء [طباطبائی] با این برچسب می‌خواهند سرمایه داران و تجار را بترسانند . حزب توده به قانون اساسی اعتقاد کامل دارد . چرا؟ زیرا ما معتقدیم که کمونیسم آرماتی است مناسب آن شرایط اجتماعی که در ایران موجود نیست . یک حزب کمونیست در شرایط کشور ما پایگاه توده نی پیدا نخواهد کرد . . .» (تأکید از ما است)

(۱) ترس از تحریکات و اقدامات روحانیت شیعه

(۲) وجود قانون ضد کمونیستی خرداد [جوزا] ۱۳۱۰ خ.

اما علاوه بر این دو دلیل، فاکتور مهم دیگری هم وجود دارد که از آن هرگز نامی برده نمی‌شود:

(۳) دیپلماسی اتحاد شوروی در قبال دیپلماسی دولت‌های آمریکا و انگلستان در ایران!

شوروی‌ها هرگز نمی‌خواستند متفقین خود را در این دوران اوج جنگ جهانی از خود برنجانند. کما این که در ۸ ژوئن ۱۹۴۳ م. ستالین دستور انحلال کمیترن را صادر کرد و به جای آن اقدام به تشکیل یک سازمان صرفاً هماهنگ‌کننده (و نه مبارزاتی) بین احزاب پیرو مسکو به نام "کومینفورم" (Communist Information) یا "دفتر اطلاعات احزاب کمونیست" دست زده بود (تأسیس کمیترن در ۱۹۴۷ م. صورت پذیرفت).^۶ بنابر این ایجاد حزبی با نام کمونیست و باروش و سبک کار انقلابی و مارکسیستی در ایران هرگز به صلاح شوروی‌ها نبود.

ساختار و سمت‌گیری طبقاتی حزب از همان آغاز کاملاً مشخص است: مبارزه آن بر اساس **انتلاف طبقات و اقشار اجتماعی** است و به پشتیبانی بورژوازی کوچک و خورده مالکان امیدوار است. از همان ابتداء خواستار اجرای قانون اساسی مشروطیت است و با هرگونه اعتصاب در پشت جبهه های متفقین مخالف.

برنامه اولیه حزب در اوایل اسفند [حوت] ۱۳۲۰ خ. منتشر گردید و چندی بعد اولین گردهمایی سراسری با عنوان "اولین کنفرانس ایالتی" در روز جمعه ۱۷ مهر ماه [میزان] ۱۳۲۰ خ. در تهران برگزار شد. این کنفرانس با حضور ۳۹ نفر ناظر از شهرستان‌ها و ۸۷ نماینده از تهران برگزار گردید. برنامه اولیه در این کنفرانس مورد تأیید قرار گرفت. این برنامه بر اساس اتحاد عمومی در برابر فاشیسم و جذب کارگران، دهقانان، زنان و بخش‌هایی از طبقه متوسط (کارمندان جزء، خرده مالکان و روشنفکران) بود. اصلاحات عنوان شده در این برنامه حائز اهمیت است. بخش مهمی از این خواست‌ها در بهبود وضعیت کار و زندگی طبقه کارگر ایران مؤثر بود. در حقیقت قصد ما نادیده گرفتن نقش حزب توده در رفم های اجتماعی نیست. بلکه هدف ما این است که نشان دهیم این اصلاحات از دریچه و رویکردی انقلابی صورت نگرفته است. این رفم‌ها نه توسط یک حزب کمونیست انقلابی، بلکه توسط یک حزب رفرمیست (اصلاح‌طلب) صورت پذیرفته.

اعضای حاضر در کنفرانس اول اقدام به انتخاب کمیته مرکزی ۱۵ نفره با دبیر کلی سلیمان میرزا اسکندری نمودند. ترکیب اعضای کمیته مرکزی همچنان به نفع ۵۳ نفر است و تنها در میان کادرهای پیشین حزب کمونیست ایران تنها ۳ نفر در این کمیته حضور داشتند: اردشیر آوانسیان، محمود بقراطی و رضا روستا. از نظر ساختار و فعالیت اجرائی تغییرات جدیدی در حزب به وجود آمد که آن‌ها را می‌توان اولین پالایش و حرکت به سوی اتحاد شوروی قلمداد کرد. این تغییرات عبارت بودند از:

- اخراج عباس اسکندری (که گرایش نزدیک به سیاست‌های انگلستان در ایران داشت)
- تغییر نشریه ارگان مرکزی از "سیاست" به نشریه "رهبر"
- مواد جدیدی به مرامنامه و برنامه حزب اضافه گردید که یکی از آن‌ها خواست لغو قانون سیاه ۱۳۱۰ خ.

^۶ شایان ذکر است که کلیه بخش اداری و حتی مسئولین کمیترن پس از انحلال آن به کومینفورم منتقل شدند. از جمله "گورکی دیمیتروف" (ستالینیست بلغاری) سرپرست اجرائی کمیترن به کومینفورم انتقال یافت.

اما با همه این‌ها حزب همچنان بر شیوه قانونی، مسالمت‌آمیز و اصلاح‌طلبانه خود شدیداً پای فشاری می‌کرد. کنفرانس اول در حقیقت مقدمه تشکیل اولین کنگره حزب بود. کنگره‌ای که اولین دسته‌بندی‌ها و جناح بندی‌های درونی تشکیلات را هویدا می‌کرد. این جناح‌بندی‌ها از درون کمیته مرکزی آغاز شد.

شرکت در انتخابات مجلس چهاردهم و دلایل آن

آفتابِ عمرِ مجلس سیزدهم رو به پایان بود و در خرداد [جوزا] ۱۳۲۲ خ. مبارزات انتخاباتی برای مجلس چهاردهم شروع می‌گردید. کمیته مرکزی از همان ابتداء قصد شرکت در این انتخابات را داشت به همین منظور برای نواحی مختلفی که حزب در آن‌ها پایگاه توده‌ی پیدا کرده بود در حال تدارک و انتخاب کاندیدا بود. همان‌گونه که قبلاً هم اشاره کردیم رویه حزب توده هرگز رویه‌ای انقلابی نبود و اکثریت اعضای رهبری آن بر اصلاح‌طلب و مشروطه‌خواه بودنش پای می‌فشردند. بر همین اساس شرکت در انتخابات پارلمانی برای چنین حزبی امری عادی تلقی می‌شد. اما برخی از افراد و نهادها و یا احزاب با این عنوان که حزب با این کار به یک حرکت رفرمیستی دست زده است ماهیت و روح حاکم بر حزب را نادیده گرفته و بر آن خرده می‌گیرند. یکی از این موارد بدین شرح زیر است:

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۰ خ. اقدام به انتشار کتابی تحت عنوان "سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی - جلد اول" نمود.^۷ در بخشی از این کتاب تلاش می‌شود تا ثابت گردد که تاکتیک شرکت حزب توده در انتخابات مجلس چهاردهم ادامه تئوری لنین در مورد شرکت کمونیست‌ها در پارلمان‌های بورژوازی و استبدادی است (در این مورد انتخابات دومای روسیه در سال ۱۹۰۷ م. مثال زده می‌شود). سپس نویسنده -یا نویسندگان- کتاب می‌کوشند تا این دلیل را با مقام‌پرست خواندن رهبران حزب مخلوط ساخته یک معجون ضد کمونیستی از آن ارائه دهند. ما از وزارت اطلاعات و قلم به‌دستان آن انتظار ارائه یک تحلیل و تحقیق علمی نداریم اما داستان از آن جایی آغاز می‌شود که این درک در حقیقت پس زمینه فکری همه کسانی است که حزب توده را یک حزب انقلابی و کمونیستی می‌دانند و شرکت آن را در انتخابات یک تاکتیک قلمداد می‌نمایند. این در حالی است که حزب توده با داشتن مشی رفرمیستی و تأکید بر اعتقاد به قانون اساسی مشروطه قاعداً باید به مجلس نماینده می‌فرستاد و در آنجا اقدام به تشکیل فراکسیون و مبارزات پارلمانی می‌نمود. این مشی در دیگر احزاب پیرو مسکو که نام "کمونیست" را یدک می‌کشیدند نیز دیده شده که مشخص‌ترین آن‌ها "حزب کمونیست فرانسه" است.

مبارزه انتخاباتی این دوره پیچیده بود. در تاریخ‌نگاری رسمی عنوان می‌شود که کاندیدهای حزب توده با پشتیبانی ارتش سرخ و نمایندگی‌های دولت اتحاد شوروی به مجلس راه یافته‌اند. در حالی که اسناد و مدارک غیر از این گواهی می‌دهند. کاندیدهای حزب در مناطق شمالی بیشتر مورد حمایت زمین‌دارانی بودند که روابط حسنه‌ای با ارتش سرخ و نمایندگی دولت شوروی داشتند. این اشراف کسانی بودند که در دوران رضاشاه از صحنه سیاست رانده شده بودند و سیاست شوروی را تا زمانی که در جهت انقلاب اجتماعی و سوسیالیستی در ایران بود را تأیید می‌کردند. از جمله این افراد پُر نفوذ می‌توان به "احمد قوام"، "ابوالقاسم امینی" و "محمد ولی فرمانفرمایان" اشاره کرد.^۸ گزارش یکی از کارشناسان وزارت امور خارجه بریتانیا در این مورد چنین است: «جالب است که به رغم همه نگرانی‌ها و

⁷ شایان ذکر است این کتاب و کتاب‌های دیگری در مورد سازمان چریک‌های فدائی خلق و مجاهدین خلق و... توسط وزارت اطلاعات و تحت عنوان مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و بدون نام نویسنده و یا نویسندگان تا کنون به چاپ رسیده است. این کتاب‌ها عمدتاً بر اساس اسناد دستچین شده و یا جعلی ساواک تنظیم (یا بهتر بگوئیم سر هم بندی شده اند)

⁸ مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران - پروانده آبراهامیان - ترجمه سهیلا ترابی فارسانی - نشر شیرازه - صفحه ۱۶۹ و ۱۷۰

بیش‌گویی‌های غیر واقعی امریکائی‌ها، شرکت نفت انگلیس و ایران و گروه‌های دیگر، شوروی‌ها نفوذ کمی در انتخابات مناطق تحت نفوذ خودشان اعمال کرده‌اند.»^۹ در اصفهان اما موضوع شکل یک ائتلاف انتخاباتی به خود گرفت، "تقی فداکار" کاندیدای حزب توده و اتحادیه کارگران اصفهان با "سید حسام دولت‌آبادی" (کاندیدای بازاریان، خرده مالکان و آخوندها) و "حیدر علی امامی" (کاندیدای کارخانه‌داران و زمین‌داران بزرگ) ائتلاف کرد. هدف از این ائتلاف اخذ رأی کافی در قبال ۴ کاندیدای دیگر بود. در حقیقت حزب در یک بازی سیاسی متداول میان احزاب و عناصر دست راستی شرکت کرده بود. بخش دیگری از اتکای حزب توده (در انتخابات، مخصوصاً در اصفهان و حومه) به کارگران و اتحادیه‌های کارگری منتسب به خودش بود که روز به روز قدرت‌مندتر می‌شدند.

سرانجام در اسفند ۱۳۲۲ خ. آرای کل کشور قرائت شد و ۹ نفر از کاندیداهای حزب توده از شهرهای زیر انتخاب گردیدند:

۱- تقی فداکار (اصفهان) ۲- ایرج اسکندری (ساری) ۳- رضا رادمنش (لاهیجان) ۴- رحمان خلعتبری (شهرسوار) ۵- فریدون کشاورز (انزلی) ۶- عبدالصمد کامبخش (قزوین) ۷- محمد پروین گنابادی (سبزوار) ۸- شهاب فردوس (فردوس) ۹- اردشیر آوانسیان (ارامنه شمال کشور)

لازم به ذکر است که سلیمان میرزا اسکندری، رضا روستا، محمد بهرامی، مرتضی یزدی و نورالدین الموتی نیز از کاندیداهای حزب در شهر تهران بودند. از میان این افراد سلیمان میرزا در تاریخ ۱۷ دی [جدی] ۱۳۲۲ خ. در گذشت و بقیه کاندیداها نیز نتوانستند آرای لازم را کسب کنند. چندی بعد در فروردین [حمل] ۱۳۲۳ خ. صلاحیت نمایندگان توده‌ئی در مجلس تأیید شد و آنان رسماً کار خود را آغاز نمودند.

ادامه دارد

^۹مقام وزارت امور خارجه، «اظهار نظر در مورد انتخابات ایران»، ۳ دسمبر ۱۱/۱۹۴۳ آذر ۱۳۲۲- به نقل از کتاب: مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران- پروانده آبراهامیان- ترجمه سهیلا ترابی فارسانی- نشر شیرازه- صفحه ۱۶۳